

بازخوانی سوره مسد (تبت)

اعلام بیزاری از پیروان ابولهب در زمان ما

دکتر محمدمهدی رکنی یزدی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۲۵

چکیده

اسلام‌ستیزان هر چندگاه با برنامه‌ای طراخی شده، عواطف انسانی و دینی مسلمانان را جریحه‌دار می‌کنند. چندی پیش با نمایش فیلمی موهن، جسارتی بی‌شرمانه نسبت به پیامبر اعظم روا داشتند. نویسنده در پاسخ این اهانت با الهام از سوره مسد بیان می‌کند که میان انگیزه‌های ابولهب در صدر اسلام و تهیه‌کنندگان این فیلم، همانندی کامل وجود دارد؛ با این تفاوت که دشمنی ابولهب و همسرش در دوره جاهلیت بود و دشمنی اینان در عصری است که زمامدارانش مدعی حقوق بشر و احترام به مقدسات دینی هستند.

کلید واژه‌ها: پیامبر اسلام ﷺ، سوره مسد، ابولهب، اسلام‌ستیزی.

آن‌گاه که نویسنده بر آن شد تنفّر و بیزاری خود و همکارانش را از فیلم توهین‌کننده به پیامبر اعظم اسلام ﷺ ابراز نماید، صواب آن دید که با تمسک به کلام الله این بیزاری را نشان دهد، تا با روش و گرایش مجله مشکوة هم‌تناسب داشته باشد، مخصوصاً که قرآن کریم بهترین مأخذ و مرجع در هر موضوع است. در این فکر بود که سوره مبارکه «تبت» به خاطرش رسید، و با تأمل بیشتر تشابهی میان کینه‌توزی و دشمنی کافر سیرتان آن زمان و معاندان متکبر این زمان به نظرش آمد؛ با این تفاوت که آنان در عصر جاهلیت بودند، و علاوه بر تکبر،

نفهمی‌شان سبب جسارت و اهانت به ساحت قدس رسول الله ﷺ می‌شد، و اینان خباثت و عداوتشان موجب استهزا و اهانت به مقدّسات مسلمانان می‌شود.

در عصری که بشر پس از سال‌ها جنگ و کشتارهای جمعی و دو جنگ جهانی، منشور سازمان ملل متحد را نوشت، و برای نوع انسان و آیین و عقایدش احترام قائل شد، و مقدّسات هر ملت و قومی را محترم شمرد. در چنین عصری و در کشوری که خود را متمدن و برتر از دیگر کشورها می‌شمرد، به خود حق می‌دهد به پیامبر بیش از یک و نیم میلیارد مسلمان به بدترین و زشت‌ترین صورت توهین کند و آن را آزادی بیان بنامد! آف بر این بی‌شرمی و شیطنت و حيله‌گری و عذر بدتر از گناه، واضح است که انگیزه‌ای جز افساد و کینه‌توزی و دشمنی کور و خودبرتربینی ندارند.

اینک متن و ترجمهٔ سورهٔ «مسد» را از تفسیر **کشف الأسرار** که همراه با اندک توضیح است نقل می‌کنیم.

به نام خداوند فراخ بخشایش مهربان

۱. ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي هَبٍّ﴾؛ زیان‌کار بادا دو دست بولهب، ﴿وَتَبَّتْ﴾؛ و زیان‌کار بادا او باویی او [= با خودش].
۲. ﴿لَا أَعْنِي عَنْهُ مَالُهُ﴾؛ نیاید او را به کار مال او، ﴿وَمَا كَسَبَ﴾؛ (و نه آنچه زاد) و نه آنچه فرادست آورد (از این جهان).
۳. ﴿سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ هَبٍّ﴾؛ سوزد و سوزانند او را با آتشی زبانه‌زنان.
۴. ﴿وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾؛ و زن او آن هیزم‌کش (و آتش‌افروز بر مردمان به سخن چینی).
۵. ﴿فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ﴾؛ در گردن او رسنی از چیزی سخت تافته.

شرح و توضیح سوره

سورهٔ «مسد» که به نام نخستین کلمهٔ آن «تَبَّتْ» هم خوانده می‌شود مکی و دارای پنج آیه است، و تنها سوره‌ای است که با دعای بد یا نفرین شروع می‌شود،

و به کنیه شخصی که درباره‌اش نازل شده تصریح گشته است. آن بی ادب، ابولهب پسر عبدالمطلب و عموی رسول خدا ﷺ است، که در تکذیب و عداوت با حضرت سرسخت و پی گیر بود.

درباره سبب نزول سوره گفته‌اند که چون پیامبر خدا به حکم ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء/۲۱۴) خویشان نزدیک خود را به اسلام فرا خواند و از عذاب الهی بیم داد، ابولهب گفت: تَبًّا لَكَ که ما را برای چنین کاری دعوت کردی^۱. پاسخ این سخن درشت و زشت او را خداوند به خودش برگرداند و از حیب خود دفاع کرد.

مرحوم طبرسی در توضیح لغت‌های سوره می‌نویسد: «التَّبُّ وَ التَّبَابُ: الخُسْرَانُ الْمُؤَدَّى إِلَى الْهَلَاكِ»؛ «تَبَّ وَ تَبَّابٌ» زیانی است که به هلاکت می‌انجامد^۲. البته بیشتر این زیان، ضرر معنوی است که به محرومیت از سعادت در آخرت می‌رسد.

اما چرا خُسران را به دست‌های او نسبت داده؟ به این جهت که انسان بیشتر کارهایش را با دست‌هایش انجام می‌دهد و مراد خسارت عمل اوست که به هدف خاموش کردن نور نبوت و بطلان رسالت خاتم الانبیا بود^۳ و برعکس به پیروزی اسلام و پیام‌آورش انجامید. جمله نخست دعایی است علیه او و کارهایش که به اجابت رسید و جمله دوم به خودش برمی‌گردد که به وضع فجیعی مرد و از سعادت ابدی محروم گشت. در آیه بعد می‌فرماید: ثروت فراوانش - از چهارپایان و نقدینه - و کوششی که در مخالفت و اذیت

۱. میدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الأسرار و عُدة الأبرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۶۵۷.

۲. الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح سید هاشم رسولی، دارالمعرفة، ج ۱۰، ص ۸۵۱.

۳. الطباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ بیروت، ج ۲۰.

رسول خدا ﷺ می‌کند خسران و هلاک ابدی را از او دفع نمی‌کند^۱ و به زودی در آتش شعله‌ور جهنم داخل خواهد شد.

ابولهب در خباثت و بدگوهری و آزاررسانی به پیامبر رحمت، همتایی مگّار داشت که همسرش امّ جمیل بود، دختر حرب بن اُمیّه و خواهر ابوسفیان. خداوند در آیه ۴ از این زنک و زشت‌کاری‌هایش - که ریختن خار و خاشاک بر سر راه حضرت باشد - یاد می‌کند، و با عطف به آیه قبل او را هم در ورود به جهنم شریک می‌نماید. بعضی از مفسران گفته‌اند (حَمَالَةَ الْحَطَبِ) «کنایه از سخن‌چینی و نمّامی و شر و وحشت‌افکنی میان مردم است و این زنک را این عادت بودی»^۲.

آیه پایانی وصف دیگری است از این بی‌شرم، که قرآن با توصیف ریسمان به گردن داشتن مانند حیوانات بارکش، به پستی و تحقیرش پرداخته است^۳؛ و این شرط بلاغت است که سخن گفتن به مقتضای حال و مقام می‌باشد.

باری! پروردگار در این پنج آیه کلام جاویدانش سرسخت‌ترین دشمن رسولش را معرفی و رسوا کرد؛ و در این اعلام که به حقیقت پیوست صدق دعوت رسولش آشکار شد، زیرا ابولهب و همسرش بر کفر مردند و جهنمی شدند. عداوت و مخالفت این دو جرثومه خبیث نسبت به پیامبر رحمت و بانی عظمت اسلام و مسلمین، انذار و تنبیهی است برای آیندگان از هر دین و آیین تا از دشمنی و کارشکنی با اسلام و مسلمین بپرهیزند.

از آنچه گفتیم معلوم شد ریشه دشمنی و کارشکنی ابولهب با شخص پیامبر اسلام روحیه تکبر و خودبرتربینی و عصییت جاهلی و حفظ موقعیت اجتماعی خودش بوده است، و این واقعیتی است که تاریخ اجتماعی جاهلیت عرب نیز آن

۱. در آیه ۲: «ما» در «ما أَعْنَى» نافیّه و در «ما کسب» موصوله است، (همان).

۲. الخزاعی، حسین بن علی، (مشهور به ابوالفتوح رازی)، روض الجنان و رّوح الجنان فی تفسیر القرآن، به کوشش دکتر یاحقی و دکتر ناصح، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۵ش، ج ۲۰، ص ۲۶۱.

۳. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۵۲.

را نشان می‌دهد. اگر بررسی کنیم همین روحیه و پندار را در حاکمان غرب به‌ویژه صهیونیسم می‌بینیم. همانان که می‌خواهند - و در عمل نشان می‌دهند - روابطشان با دیگر کشورها بر اساس مطامع و منافع نامشروعشان باشد نه احترام متقابل. یعنی عزت و ذلت دیگران را طالبند، و این را به اتکای قدرت نظامی حقّ مسلّم خویش می‌پندارند، و بر سر این پندار هرگونه زورگویی و افساد و قتل و جنایت را روا می‌شمرند.

و این وجه شبّه میان ابولهب و اسلام‌ستیزی‌اش، با حاکمان غربی زمان ماست که اکنون شخصِ مشخصِ پیامبر اسلام را هدف ژاژخایی خود قرار داده‌اند. در تحلیل و ریشه‌یابی آن فیلم سراسر تهمت و وقاحت پیام مقام معظم رهبری نقل کردنی است:

«پشت صحنه این حرکت شرارت‌بار، سیاست‌های خصمانه صهیونیسم و آمریکا و دیگر سران استکبار جهانی است، که به خیال باطل خود می‌خواهند مقدّسات اسلامی را در چشم نسل‌های جوان در دنیای اسلام از جایگاه رفیع خود فرو افکنده و احساسات دینی آنان را خاموش کنند. اگر از حلقه‌های قبلی این زنجیره پلید یعنی سلمان رُشدی و کاریکاتورست دانمارکی و کشیش‌های آمریکایی آتش‌زننده قرآن حمایت نمی‌کردند، و ده‌ها فیلم ضد اسلام را در بنگاه‌های وابسته به سرمایه‌داران صهیونیست سفارش نمی‌دادند، امروز کار به این گناه عظیم و غیر قابل بخشش نمی‌رسید».

«متهم اول در این جنایت، صهیونیسم و دولت آمریکا است، سیاستمداران آمریکا اگر در ادعای دخالت نداشتن خود صادق‌اند باید عاملان این جنایت شنیع و پشتیبانان مالی آن را که دل ملت‌های مسلمان را به درد آورده‌اند، به مجازات^۱ متناسب با این جرم بزرگ برسانند»^۲.

در تکمیل بحث، مناسب است از کتاب هدایت الهی درباره بدگویی و دشنام

-
۱. شگفت‌آور اینکه وزیر خارجه آمریکا - با عذری بدتر از گناه - گفت: به رعایت آزادی! نمی‌توانیم از ارائه فیلم جلوگیری کنیم.
 ۲. برگزیده از متن کامل پیام مقام معظم رهبری - مُدّ ظَلَه - درباره فیلم اهانت‌کننده به ساحت قدس پیامبر اعظم ﷺ.

دادن به مقدّسات، راهنمایی بخواهیم. به سوره مکیّ أنعام (۶) مراجعه می‌کنیم. در ابتدای آیه ۱۰۸ پاسخ صریح خود را می‌خوانیم: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾؛ «و آنهایی که جز خدا را می‌خوانند دشنام دهید، که آنان از روی دشمنی و به نادانی خدا را دشنام خواهند داد»^۱. بنا بر بعضی اخبار برخی مؤمنان متعهّد سابق در اسلام ناراحتی شدیدشان را از مشرکان با دشنام دادن به بت‌ها اظهار می‌کردند. قرآن مجید از این کار نهی کرد، و رعایت ادب در گفتار و عفت بیان را حتی در برابر خرافاتی‌ترین عقیده یعنی شرک و بت‌پرستی لازم دانست^۲؛ و جز این هم شایسته نیست، زیرا دینی که ادلّه فطری و منطقی برای اثبات عقایدش دارد، نیاز به اجبار و اصرار یا بدگویی برای گرویدن مخالفانش ندارد، و دشنام و بدزبانی و استهزا هم نشان نداشتن منطق صحیح و ناتوانی از استدلال است.

در جنگ صفین بعضی از لشکریان امیرالمؤمنین علیه السلام به سپاهیان معاویه دشنام می‌دادند. حضرت شنید و فرمود: «إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ. وَلَكِنْكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَأَبْلَغَ فِي الْعُدْرِ»؛ من خوش ندارم که شما فحاش باشید. ولی اگر به جای دشنام، کارهایشان را وصف کنید و حالشان را بازگو کنید به راست‌گویی نزدیک‌تر است و عذرتان را بهتر می‌رساند^۳.

این است تعلیم کتاب مسلمانان که به وسیله پیامبر اسلام ابلاغ شد و ادب اسلامی را می‌رساند، و امیرمؤمنان علیه السلام حتی در جنگ به آن عمل کردند، و چنان است عمل و تبلیغات ننگین و دروغین مدعیان تمدن و آزادی در زمان ما.

۱. قرآن مجید، ترجمه فولادوند.

۲. بنگرید به: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۳۶، ج ۵، ص ۳۹۴.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، دار احیاء الکتب العربیه، ج ۱۱، ص ۲۱.